

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

## تحلیل تطبیقی معیار تحدید آزادی‌های عمومی در نظام اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر

۱۲۹

دوفصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیل تطبیقی معیار تحدید آزادی‌های عمومی در نظام اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر  
سیده لطیفه حسینی

سیده لطیفه حسینی<sup>۱\*</sup>

۱. دکترای حقوق بین‌الملل، پژوهش‌گر و استادیار گروه حقوق دانشگاه الزهرا (س)، تهران، تهران، ایران.

### چکیده

حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوقی را تداعی می‌کند که همه انسان‌ها صرف‌نظر از تعلقات عارضی از آن برخوردارند در این میان آزادی‌های عمومی نیز از جمله مصادیق حقوق بشر تلقی می‌گردد که لازمه برخورداری از چنین آزادی‌هایی پیش‌بینی نظام حقوقی و قانونی است که در قالب آن این آزادی‌ها تضمین گردد و امکان مطالبه آن از طرف دارندگان فراهم گردد اما از آنجایی که برخورداری از آزادی‌های عمومی برای همه افراد در یک جامعه پیش‌بینی شده است کلیت جامعه و آزادی دیگران نیز اهمیت می‌یابد و در عمل افراد در اعمال آن آزادی مطلق ندارند. از آنجایی که معیار تحدید آزادی‌های عمومی ممکن است از نظامی به نظام دیگر تفاوت می‌یابد در این مجال معیارهای تحدید آزادی‌های عمومی در دیدگاه اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر مطمح نظر است.

**واژگان کلیدی:** آزادی‌های عمومی، محدودیت‌ها، نظام اسلامی، نظام بین‌المللی.

حقوق بشر به عنوان امتیازاتی که انسان ذاتاً دارا است در زمان بعد از جنگ جهانی دوم نمود جهانی یافت، این در حالی است که متعالی‌ترین تعابیر در خصوص جایگاه انسان در نظام خلقت در تعالیم و آموزه های دین مبین اسلام یافت می‌شود. البته در سده‌های اخیر و پس از تحقق انقلاب‌های آزادی‌خواهانه در کشورهای مختلف جهان به ویژه اروپا در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی؛ اندیشمندان در پی تعبیه ساختارها و تضمیناتی بودند که به واسطه آن از احترام به کرامت و حیثیت انسان‌ها در برابر قدرت حاکمان حمایت گردد. انسان بودن هر انسانی، اقتضای آن را دارد که حقوق و امتیازات خاصی برای او در نظر گرفت، تضمین این امتیازات در برابر صاحبان قدرت نیازمند در نظر گرفتن ابزارهای کارآمدی است. از این رو درج مجموعه حقوق و آزادی‌های عمومی در اسناد بین‌المللی و داخلی موضوعیت یافت و اساسی‌ترین حقوق بشر در سطوح مختلف جنبه قانونی به خود گرفت. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۳۷) آزادی‌های عمومی نیز از جمله مصادیق حقوق بشر است که نیازمند تضمین در نظام قانون‌گذاری است و تضمین عملی آن‌ها از طریق پیش‌بینی قواعد لازم‌الاجرا و ضمانت اجرای حقوقی حاصل می‌شود. این قواعد از طریق مجموعه مقررات حقوق داخلی هر کشور به وسیله نهادهای حاکم تضمین می‌گردد. بر همین مبنا سؤالاتی به ذهن متبادر می‌گردد که آیا می‌توان بر حقوق و امتیازات بشر محدودیت‌هایی وارد نمود و این محدودیت‌ها مغایر حقوق اولیه انسان‌ها نیستند؟ در صورت امکان معیارها و ضوابط محدودیت‌ها چیست؟ آیا برداشت از محدودیت‌ها نسبت به آزادی‌های عمومی در همه جوامع یکسان است؟ با توجه به طرح سؤالات فوق‌الذکر در این مجال موضوع معیار تحدید آزادی‌های عمومی با نگاهی تطبیقی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و اندیشه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تحقق این هدف ابتدا مفهوم آزادی‌های عمومی تبیین می‌شود و ضمن توضیح قابل تحدید بودن آزادی‌های عمومی در انواع نظام‌ها معیارهای قابل اعمال بررسی می‌گردد و در نهایت محدودیت آزادی‌های عمومی در پرتو تعهدات حقوق بشری دولت‌ها نیز از نظر دور نمانده است.

## بند اول: مفهوم آزادی‌های عمومی

یکی از بنیادهای اندیشه اسلامی، آزادی است. آزادی موهبتی الهی است که از طرف خداوند به انسان عطا شده و انسان فطرتاً آزاد آفریده شده است. (امام خمینی، ۱۳۸۴، ۵)

آزادی به معنای آزادی روح انسان از آرایش، از هوی و هوس‌ها، از رذایل و از قید و بندهای مادی است که در مکاتب الهی مطرح است و آزادی‌ای است که انبیای الهی و مکاتب الهی آن را تبلیغ نموده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۳۰) همه انبیا بعد از دعوت به توحید پیام‌آور آزادی بشر بوده‌اند به عنوان نمونه حضرت موسی علیه‌السلام پس از دعوت مردم به توحید، پیام آزادی سر داد و هدف از رسالت خود را رهایی مردم مصر از اسارت طاغوت اعلام کرد. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵: ۱۸۸) پیامبران به فرموده قرآن، مبارزه با طاغوتیان و جابران را برای رهایی بشر پیشه راه خود نموده‌اند. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۹۷)

علاوه بر آزادی بیرونی که از طریق رهایی از بردگی و بندگی غیر خدا عینیت می‌یابد آزادی درونی که همانا رهایی از هوس‌ها و اسارت‌های نفسانی می‌باشد، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اسلامی دارد و این تقسیم‌بندی از آزادی یکی از نقاط تفاوت دیدگاه راجع به ارزش آزادی در حقوق بشر معاصر و اسلام می‌باشد به این معنا که آزادی درونی دغدغه حقوق بشر معاصر نبوده و آزادی انسان صرفاً دارای جلوه‌های بیرونی است که در آزادی‌هایی نظیر آزادی بیان، مذهب و دیگر موارد تجلی می‌یابد. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۹۳)

در اندیشه اسلامی آزادی مقدمه کمال و نه خود کمال است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۲۲۷ و ۳۲۹) و تحقق کمال برای انسان مستلزم آزادی و انتخاب نیز می‌باشد و هر اندازه زمینه‌گزینش آزاد فراهم گردد کمالات بیشتری تحقق می‌یابد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ۸۱)

به تعبیر دیگر آزادی به معنای تسلط انسان بر خودسازی و ساختن محیط خویش است و این امتیاز از آن انسان است که می‌تواند سرنوشت طبیعی خود را تغییر دهد. (بهشتی، ۱۳۶۱: ۱۱۸۳) این در حالی است که اندیشمندان معاصر در بیان مفهوم آزادی تعاریف متعددی را ارائه نموده‌اند. برای نمونه مونتسکیو آزادی را توانایی هر فرد برای اعمال آنچه می‌خواهد تعریف می‌نماید (مونتسکیو، ۱۳۷۱: ۷۲) یا آزادی نبود هرگونه مانع و عدم تقید به هرگونه فشار مادی و روانی و اخلاقی تعریف شده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۰۸)

آزادی از منظر اعلامیه حقوق بشر فرانسه عبارت است از توانایی اشخاص برای انجام هر امری که صلاح و مقتضی بدانند. بنابراین دو مفهوم توانایی اعمال خواسته‌های خود و عدم سیطره دیگری بر انسان به عنوان مؤلفه‌های آزادی در اندیشه حقوق بشر معاصر به شمار می‌آیند.

## بند دوم: محدودیت‌های آزادی‌های عمومی

در اندیشه اسلامی، آزادی نامحدود و مطلق پذیرفته نیست با این استدلال که آزادی یکی از اوصاف انسان است و با توجه به این که هستی وی محدود و متناهی است اوصاف وی نیز از ویژگی محدود بودن و متناهی بودن برخوردار خواهد بود و کلیه صفات کمالی انسان از جمله حیات، علم، قدرت، اراده و آزادی وی نیز محدود خواهند بود. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵: ۱۰) از جمله دلایل دیگر لزوم تحدید آزادی انسان، تعامل وی با دیگران و زندگی جمعی وی در اجتماع است. بنابراین آزادی نسبی و غیرمطلق نتیجه طبیعی و بدیهی زندگی اجتماعی است چنین تحدیدی از طریق قانون‌گذار صورت می‌پذیرد. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۹۵) البته در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز آزادی‌های عمومی قابل تحدید هستند و این امر در اسناد جهانی حقوق بشر تصریح شده است. به رغم پیش‌بینی و امکان تحدید آزادی‌های عمومی در هر دو نظام، معیارهای تحدید حدود در عمل متفاوت می‌شود. در اندیشه اسلامی قانون‌گذار خداست؛ لذا تنها عامل تحدید آزادی وی همان مبدأ و سر منشأ خلقت وی می‌باشد. در این تعبیر آزادی ودیعه‌ای می‌شود که به انسان سپرده شده است و انسان علاوه بر حق آزادی در جهت حراست از آن نیز تکلیف نیز دارد. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵: ۱۰) این در حالی است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر به دلیل محوریت انسان و شناخت وی از رهگذر تجربه بدون توجه به سر منشأ آن معیار تحدید آزادی‌های عمومی نیز به صورت مادی نمود می‌یابد. مبنای تفاوت آزادی در اندیشه اسلامی و دیگر نظام‌های حقوقی از جمله حقوق بشر معاصر در نوع بینش نسبت به رابطه انسان با جهان هستی و ارتباط وی با خدا به چشم می‌خورد. در نظام حقوق بشر معاصر در تنظیم حقوق و آزادی‌ها به رابطه انسان با انسان و انسان با طبیعت نگرسته می‌شود، این در حالی است که در اندیشه اسلامی علاوه بر این مورد و در رأس همه این روابط، رابطه انسان با خدا نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۹۶) تعیین محدوده‌ای برای آزادی‌های عمومی در حقوق داخلی کشورها مبتنی بر اسناد بین‌المللی و قواعد حقوق اساسی امری بدیهی به نظر می‌رسد چرا که آزادی بی حد و حصر موجب هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه می‌گردد. (کوچ‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۰) بر همین اساس مقررات بین‌المللی و داخلی، حقوق و آزادی‌های عمومی را محدود به عواملی می‌نمایند برای نمونه برخی از اسناد بین‌المللی به بیان اصول کلی حاکم بر وضع محدودیت بر قواعد حقوق بشر اکتفا کرده‌اند. بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «برای اجرای این حقوق، هرکس فقط باید در برابر محدودیت‌هایی

قرار گیرد که توسط قانون صرفاً با هدف تأمین شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و برآوردن مقتضیات منصفانه اخلاق، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه دمکراتیک تعیین می‌شود». (مجموعه اسناد جهانی حقوق بشر، ۱۳۸۱: ۷۷)

در مقابل برخی اسناد حقوق بین‌الملل بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به بیان اصول کلی حاکم بر محدودیت‌ها اکتفا نکرده بلکه در هر مصداق به طور خاص محدودیت وارده بر آن آزادی را بیان می‌نماید برای نمونه بند ۳ ماده ۱۸ میثاق مقرر می‌دارد: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.» که به موضوع محدودیت‌های آزادی مذهب اختصاص دارد. (مجموعه اسناد جهانی حقوق بشر، ۱۳۸۱: ۱۰۱) در مقررات حقوق داخلی کشورها نیز مجموعه محدودیت‌هایی بر آزادی‌های عمومی وضع می‌گردد که می‌توان به محدودیت‌های تعرض به نوع حکومت، تعرض به اصول مردم سالاری، تعرض به مذهب رسمی کشور و تعرض به آزادی دیگران اشاره نمود (عباسی، ۱۳۹۰: ۶۸)

### بند سوم: معیارهای اعمال محدودیت

حقوق و تعهدات دو روی یک سکه می‌باشند به این معنی که در برابر هر حقی یک متعهدی نیز باید باشد که اجرا و رعایت حق موجود را تضمین کند. در نظام بین‌المللی، دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی و دول عضو اسناد جهانی حقوق بشر با استناد به نظم عمومی و وجود شرایط استثنایی صلاحیت تفسیر و نحوه اعمال حق‌های تضمین شده را برای خود محفوظ نگه داشته‌اند و امکان تحدید حقوق را در کنوانسیون‌های حقوق بشر پیش‌بینی نموده‌اند. این محدودیت‌ها که گاه در زمان تفسیر و گاه با توجه به تصریح کنوانسیون مذکور اعمال می‌شود امکان ایجاد حاشیه صلاحید برای دول عضو را فراهم می‌کند، اما آنچه مسلم است وجود عامل «ضرورت» برای اتخاذ اقدامات تحدیدی و هم‌چنین «تناسب» آن اقدامات با هدف مورد نظر دولت است. گاهی تفاوت نظام‌های حقوقی با یکدیگر بر سر معیارها و ضابطه‌های محدودیت‌های آزادی‌های عمومی است و گاهی تفاوت در تعاریف و برداشت‌های صورت گرفته از یک ضابطه است. به نظر می‌رسد آنچه موجب ایجاد تمایز میان حکومت اسلامی و حکومت‌های غیراسلامی می‌گردد ضوابط این محدودیت‌ها نیست بلکه عامل تفاوت در تعاریف مربوط به هر

یک از ضابطه‌های ایجاد محدودیت است. بر همین مبنا می‌توان مجموعه محدودیت‌های آزادی‌های عمومی را ذیل دو عنوان کلی زیر تقسیم‌بندی نمود:

### الف. آزادی دیگران

یکی از محدودیت‌های آزادی‌های عمومی در اکثر نظام‌های حقوقی آزادی دیگران است. بررسی اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که آزادی افراد جامعه محدود به آزادی دیگران است و هیچ فردی در اعمال حقوق و آزادی‌های خود حق ندارد آزادی‌های دیگران را محدود نماید و اعمال هیچ حقی نمی‌تواند موجب نادیده انگاشتن دیگران گردد (گرچی، ۱۳۸۳: ۱۸) مبنای این امر را باید در مفهوم آزادی از منظر حقوق بشر معاصر و اندیشه اسلامی جست و جو نمود. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، پایه آزادی‌های عمومی در اندیشه لیبرال همان فلسفه مادی یا اندیشه لذت‌گرایی و سودگرایی فردی است که بر پایه قدرت و منفعت و رفاه مادی شکل می‌گیرد (بکر، ۱۳۸۰: ۲) بر مبنای این نظر انسان حاکم بر سرنوشت خویش است و خود مرجع تشخیص خیر و صلاح زندگی می‌باشد (رحیمی، ۱۳۸۶: ۲) و در مقام اعمال آزادی‌های خویش جز عقل بشری محدودیتی ندارد. (کسوله، ۱۳۸۴: ۸۱۵) به این ترتیب در نظام بین‌المللی، حقوق بشر وابسته به ارزش‌ها و لذت‌های مادی صرف است (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۶۹) در نتیجه آزادی به مفهوم غربی، انسان را در اجتماع صاحب اختیار می‌داند و برای او محدودیتی قائل نیست مگر حد آزادی دیگران. (نجف‌قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۷۵) لازم به ذکر است که علت این امر تحقق نظم اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج است و از این رو در هر حکومتی مردم از بخشی از آزادی‌های خود که اعمال آن تعرض به آزادی دیگران است چشم‌پوشی می‌نمایند.

همان‌گونه که اندیشه سکولار آزادی دیگران را ضابطه محدودیت آزادی می‌داند در تفکر اسلامی نیز آزادی دیگران محدودیت آزادی‌های عمومی محسوب می‌گردد. در سراسر ابواب مختلف فقهی از جمله معاملات، از حق قبض و اقباض در بیع و اجاره و مانند آن که به اتفاق همه فقها، در هر موردی که شخصی بخواهد حق معاملی طرف خود را زیر پا گذارد، حاکم شرع، موظف است او را بر عمل به تعهدات و وظایف شرعی خویش، ملزم کند و حق طرف مقابل را باز ستاند (ظهیری، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۴) به این ترتیب در اندیشه اسلامی، آزادی‌های فردی و اجتماعی راهی جهت دستیابی به مقام خلافت الهی و سعادت اخروی است و این آزادی توأم با مسئولیت است (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۶۲) و لذا آزادی‌های دیگران عاملی برای تحدید آزادی‌های عمومی و فردی تلقی می‌گردد.

بر اساس همین تفاوت در تعاریف، محدوده‌ی آزادی در نظام حقوقی لیبرال و نظام اسلامی و به تبع آن حکومت‌های لیبرال و حکومت اسلامی متفاوت می‌باشد چرا که در پی تفاوت در تعریف مفهوم آزادی، مفهوم آزادی دیگران به عنوان معیار محدودکننده آزادی‌های عمومی نیز تغییر خواهد کرد. برای نمونه حکومت‌های اسلامی که به دنبال رشد مادی و معنوی انسان‌ها یا مردم خود هستند، معیارهای آزادی فردی را با بهره‌گیری تعالیم و حیانی دین اسلام معین می‌نمایند و در نتیجه هر انسانی در حوزه‌های مختلف مادی و معنوی صاحب آزادی خواهد بود. در نتیجه مفهوم آزادی دیگران نیز که مصداق از آزادی فردی دیگر افراد جامعه است، تفاوت کرده و با تفاوت این ضابطه، محدودیت آزادی‌های عمومی نیز تغییر می‌یابد.

### ب. منافع عمومی

یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی‌های عمومی در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی منافع عمومی است. مفهوم منافع عمومی است که شامل موضوعاتی مانند نظم عمومی، امنیت عمومی، آسایش عمومی، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد (کوچ‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۰) برای نمونه ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیرامون آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز امنیت ملی، نظم عمومی، ایمنی عمومی و حمایت از سلامت و اخلاق اجتماعی را به عنوان محدودیت این آزادی مقرر می‌دارد. (مجموعه اسناد جهانی، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

پی بردن به مفهوم و مبنای منافع عمومی در گرو فهم عناصر آن یعنی نظم عمومی، امنیت کشور، آسایش عمومی، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد. امنیت عمومی فقدان هر گونه عاملی است که به موجب آن نظم مادی موجود در جامعه از بین می‌رود و مقامات عمومی با اتخاذ تدابیر لازم از وقوع آن جلوگیری می‌نمایند. آسایش عمومی مستلزم فقدان هر گونه آزار و ناراحتی در جامعه به صورتی که از حدود متعارف و عادی زندگی خارج گردد. اخلاق حسنه نیز به محافظت از اخلاق، افکار، عقاید و احساسات جامعه توجه می‌نماید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۲۵۳) پیرامون تعریف نظم عمومی نیز میان صاحب‌نظران حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. به همین علت برخی از حقوق‌دانان تنها به بیان ضابطه پیرامون شناخت نظم عمومی اکتفا نموده‌اند و قوانینی را که به جهت حفظ منافع جمعی افراد یک جامعه وضع می‌شوند، قوانین دارای جنبه‌ی نظم عمومی می‌نامند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۵۹) آنچه از بررسی عناصر منفعت عمومی بر می‌آید وابستگی آن‌ها به اهداف و وظایف حکومت‌ها است. مطالعه‌ای بر اهداف نظام‌های

سکولار نشان می‌دهد که این حکومت‌ها در سیر نهایی خود به دنبال تحقق کامیابی دنیایی انسان‌ها هستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۶۷) بر این مبنا در حکومت‌های مبتنی بر اندیشه سکولار تعریف منافع عمومی در پرتو هدف غایی یا کامیابی دنیایی و اهداف میانی مانند رفاه مادی، نظم و امنیت تعریف می‌گردد.

این در حالی است که اهداف و وظایف حکومت‌های اسلامی محدود به کامیابی دنیایی و رفاه مادی و نظم و امنیت نیست. حکومت اسلامی نیز بر مبنای دستورات دین مبین اسلام دارای اهداف مشخصی است که می‌توان آن را در دو سطح اهداف غایی به عنوان اصلی‌ترین اهداف حکومت اسلامی و اهداف میانی که زمینه‌ساز تحقق اهداف نهایی است دسته‌بندی نمود. هدف غایی یا نهایی حکومت اسلامی را بر مبنای آیات الهی و روایات ائمه معصومین (ع) می‌توان در دو عنوان اصلی خلاصه نمود: اولین هدف غایی از حکومت اسلامی بسترسازی و هدایت‌گری در جامعه در راستای تقرب افراد به خداوند متعال از طریق عبودیت و آماده نمودن فضای رشد جهت دستیابی به جایگاه والای جانشینی خداوند است. دومین هدف از اهداف غایی حکومت اسلامی نیز مهیا نمودن مبادی تمدن، تبیین اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی و تحقق مدینه فاضله است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۰) اهداف میانی نظام اسلامی نیز بر مبنای همین هدف غایی تعریف می‌گردد و راهکارهایی جهت دستیابی به آن به حساب می‌آید. اقامه قسط و عدل، برقراری نظم و امنیت، تعلیم و تربیت و ارتقای سطح فرهنگ اجتماعی بر مبنای شریعت، تأمین رفاه و ریشه‌کن نمودن فقر، گسترش شعائر اسلامی، (نصرتی، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۷۳) بازگشت به اسلام راستین و احیای سنت‌های فراموش شده و اجرای مقررات اسلامی (مطهری، ۱۳۸۵: ۸۰-۸۴) از جمله مهم‌ترین اهداف میانی حکومت اسلامی محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup> از آن‌جا که حکومت اسلامی به دنبال تحقق هر دو اهداف غایی و میانی می‌باشد که به وسیله خداوند متعال برای آن طراحی گردیده است؛ منافع عمومی حکومت اسلامی نیز بر همین مبنا تعریف می‌گردد.

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان گردید، محدودیت‌های آزادی‌های عمومی مبتنی بر منافع عمومی، ریشه در اهداف و وظایف حکومت‌ها دارد و از آن‌جا که حکومت اسلامی به دنبال تحقق وظایف مشخصی است محدودیت‌های آزادی‌های عمومی نیز بر همین مبنا طراحی می‌گردد. بر اساس مفهوم منافع عمومی در حکومت اسلامی هرگونه توهین به مقدسات دینی، هتک حرمت افراد، افشای اسرار حکومت اسلامی و شایعه پراکنی در راستای تضعیف نظام اسلامی، ایجاد توطئه و حتی سرپیچی از مقررات اسلامی از جمله



محدودیت‌های آزادی بیان به عنوان یکی از آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی به حساب می‌آید. (اسحاقی، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۹)

در مجموع هر چند شاخصه‌ها و معیارهای آزادی‌های عمومی در حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی با یکدیگر برابر است اما بر اساس تفاوت‌های ناشی از تعاریف هر یک از شاخصه‌ها که از جهان‌بینی حاکم بر هر نظام نشأت می‌گیرد و علم حقوق تنها از آثار آن بهره می‌برد، نتایج حاصل از آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود و حدود هر یک از آزادی‌های عمومی متناسب با تعاریف صورت گرفته قابل ارزیابی می‌باشد. بعد از بیان تفاوت معیارهای دو نظام بین‌المللی و اسلام در باب معیارهای تحدید آزادی‌های عمومی لازم است برای روشن‌تر شدن موضوع حدود اختیارات دولت‌ها و اصلی که در تحدید آزادی‌های عمومی در عمل با توجه به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به کار گرفته می‌شود، بحث نمود.

#### بند چهارم: محدودیت آزادی‌های عمومی در پرتو تعهدات بین‌المللی دولت‌ها

جنگ، شرایط اضطراری و خطر عمومی که حیات، موجودیت، امنیت و استقلال یک دولت را تهدید کند به‌عنوان موقعیت‌هایی معرفی شده‌اند که امکان عدول دولت‌ها از تعهدات حقوق بشری را فراهم کرده است. تهدیدات جدی علیه یک ملت پیش شرط اقدامات تحدیدی دولت است. البته دولت ذی‌ربط در اعمال محدودیت‌ها و تحدید حقوق و آزادی‌ها رها از هرگونه قید و تعهدی نیست بلکه در چنین وضعیتی نیز لازم است دولت مربوطه موقعیت را به مراجع ذی‌صلاح و دول عضو اسناد جهانی اطلاع دهد و دلایل خود را ذکر کند. بدیهی است چنین محدودیت‌هایی، استثنایی و موقتی می‌باشند و به محض رفع شرایط اضطراری، دولت‌ها باید تعهدات حقوق بشری خود را از سر بگیرند؛ مضاف بر آن اقدامات اتخاذی دولت‌ها در راستای محدودسازی حقوق بشر نباید با سایر تعهدات بین‌المللی دولت محدودکننده مغایر باشد. با این حال حق‌هایی موجودند که تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق و عدول نمی‌باشند از جمله آن‌ها منع بردگی می‌باشد.<sup>۲</sup> علاوه بر وجود مقررہ کلی تحدیدکننده حقوق، دامنه تعریف حق‌ها نیز در عمل امکان تحدید حق را فراهم می‌کند و دولت‌ها در مقام تفسیر و اجرای آن حق، حاشیه صلاحید برای خود قایل هستند که به موجب آن برای حفظ نظم و اخلاق عمومی و امنیت ملی، اجرای حق‌های مقرر در کنوانسیون حقوق بشری را محدود می‌کنند. البته گاهی اوقات محدودیت‌ها به موجب تفسیر وضع می‌گردند و در موارد دیگر خود متن، گویای تعاریف

و استثنائات است. همین امر مبنای صلاحیت دولت‌ها برای تفسیر حق‌ها و اجرای محدود آن‌ها شده است که به طور طبیعی اقدامات اتخاذی و تحدیدی دولت‌ها باید بنا بر ضرورت و متناسب با هدف مورد نظر باشد. به این ترتیب در این بند ضمن تبیین مفهوم حاشیه صلاحیت دولت‌ها که حاکی از حدود اختیار یک دولت در تحدید حقوق است از یک طرف و کنش متقابل اصل حاشیه صلاحیت و تناسب از طرف دیگر پرداخته خواهد شد. تا معلوم گردد این کنش به چه نحو است.

### الف. تعیین حدود اختیار دولت‌ها در اعمال محدودیت

حدود اختیار دولت‌ها ارتباط مستقیمی با نقش و مسئولیت اولیه دول عضو در تحقق حقوق تضمین شده در اسناد حقوق بشری دارد. به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها باید برای هر کس در حوزه صلاحیتی خود حقوق و آزادی‌های مقرر در معاهده را تضمین و تأمین کنند. با این حال در اجرای این تعهدات، به طور معمول معیار خاصی از صلاحیت یعنی یک حاشیه صلاحیت به دولت‌ها واگذار می‌گردد. مبنای عقلی تفویض چنین صلاحیتی، ضروریات یک جامعه دموکراتیک است. فرض بر این است محدودیت‌های اتخاذی برای حفظ جامعه دموکراتیک لازم است و ممکن است در صورت اجرای کامل حق بدون هیچ‌گونه محدودیتی، اخلاق و نظم عمومی و حتی حقوق دیگر اعضای جامعه نادیده انگاشته شود. با وجود این، چنین صلاحیتی باید در پرتو وظیفه و تعهد اصلی و ابتدایی دول عضو که همانا تضمین حقوق و آزادی‌های مقرر است، تفسیر گردد. به‌عنوان نمونه اجرا و اعمال آزادی بیان ممکن است تحت تشریفات، شرایط یا مجازات‌های قانونی قرار گیرد که برای منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا سلامت عمومی، حفظ نظم یا اخلاقیات، حمایت از حیثیت یا حقوق دیگران یا برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی قوه قضاییه لازم است.<sup>۳</sup> (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۴: ۲۴۴) همان‌طور که مشخص است این ماده به دول عضو یک حاشیه صلاحیت اعطا می‌کند، در اصل چنین صلاحیتی به قانون‌گذار داخلی، ارکان قضایی و سایر ارکان صالح برای تفسیر و اعمال قوانین لازم‌الاجرا اعطا گردیده است. (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۴: ۲۸۰) اما چنین صلاحیتی نامحدود نیست و مقید به وجود شرایطی است که احراز آن‌ها در اعمال محدودیت و تفسیر حق توسط دول عضو، ضروری است.

حاشیه صلاحیت زمانی می‌تواند ایفای نقش کند که موضوع مطرح شده به موجب کنوانسیون حقوق بشری مستلزم تعادل منافع باشد به این معنی که از یک طرف منافع متقاضی حق و مدعی نقض حق مطرح می‌گردد و از طرف دیگر موقعیتی که مربوط به منفعت

کلی یا منافع دیگر افراد در معرض خطر است. دکترین حاشیه صلاحدید با اصطلاحات خاص نظیر حالت اضطرار عمومی که حیات دولت را تهدید می‌کند، (حسین‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۳۹) منفعت عمومی،<sup>۴</sup> احترام به خانواده و زندگی خصوصی<sup>۵</sup> و حمایت از اخلاق<sup>۶</sup> و سایر قیود ارتباط دارد. به نظر می‌رسد حاشیه صلاحدید در خصوص حق‌های کلی بیشتر قابل اعمال باشد زیرا برخی قواعد و مقررات کنوانسیون‌های حقوق بشری، شرایط جزئی و مفصلی را مقرر می‌دارند که امکان ارزیابی تعادل منافع را فراهم نمی‌کند. به عنوان نمونه به ندرت در ارتباط با محتوای مواد مربوط به رسیدگی قضایی و دادرسی عادلانه، مسأله حاشیه صلاحدید مطرح می‌شود. (Dijk. op.cit. p: 86) طبیعی است تعریف دولت‌ها از ملزومات جامعه دموکراتیک از جمله اخلاق و نظم عمومی متفاوت است و در عمل ممکن است دامنه چنین صلاحیتی موسع تفسیر گردد. بنابراین مبنای مشترکی میان قوانین دول عضو برای تفسیر دامنه حاشیه صلاحدید وجود ندارد. (Dijk. op.cit. p: 87)

ماهیت یک حق نیز در دامنه حاشیه صلاحدید تأثیر دارد و در برخی حق‌ها مانند حق مالکیت محدوده صلاحیت دولت‌ها موسع است. (Dijk. op.cit. p: 88) هدفی وجود دارد که به خاطر آن یک دولت، اقدامات تحدیدی اتخاذ می‌کند و این امر در محدوده و دامنه صلاحیتی دولت ذی‌ربط تأثیرگذار است. برخی اهداف نظیر امنیت ملی یا شرایط اضطراری تهدید کننده حیات ملی مستلزم پیش‌بینی حد وسیعی از حاشیه صلاحدید است. ارتباط اقدامات تحدیدی به سیاست‌های کلی اعم از اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی دولت نیز در میزان اعطای صلاحیت به دولت ذی‌ربط ایفای نقش می‌کنند. (Dijk. op.cit. p: 89) در عمل حاشیه صلاحدید به عنوان ابزاری در اختیار دولت است که به موجب آن نیازهای جامعه را ارزیابی می‌کند و بهترین روش را برای دستیابی به آن نیازها شناسایی می‌کند. (Reid Karen, 1993, para 5)

### ب. رعایت اصل تناسب

اصل تناسب به طور کلی در حقوق بین‌الملل و به طور خاص در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد استناد قرار گرفته است. درک حاشیه صلاحدید دولت‌ها برای تحدید حقوق مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشری در پرتو نقد و بررسی مناسب ماهیت، ریشه‌ها و اعمال گسترده اصل تناسب ممکن است. بنابراین اصل تناسب یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی در اعمال وظایف دولت‌های عضو اسناد حقوق بشری محسوب می‌شود.

اصل تناسب یکی از مهم‌ترین اصول کلی حقوق به معنی وجود نسبت معقول بین اقدام متخذ از سوی دولت عضو و هدفی می‌باشد که مبنای اعمال محدودیت است. اصل

تناسب در جایی نمود می‌یابد که اقدامی در اصل ممنوع است و در شرایط خاص مجاز دانسته می‌شود؛ به بیان دیگر در جایی که امکان عدول از حقوق و آزادی‌های بنیادین تضمین شده به موجب کنوانسیون مربوطه، منوط به رعایت اصل تناسب است. اقدامات متخذه از سوی دول عضو باید از حدود آنچه برای دستیابی به اهداف مورد نظر لازم است، تجاوز نکنند. تعادل عادلانه میان مطالبات جامعه و ملزومات حقوق بنیادین شرط ضروری است.<sup>۷</sup> (Brogan and others, 1998, p: 80) لازم است در میان ابزارهای موجود برای تحقق هدف مورد نظر ابزاری انتخاب شود که مبین تعادل منصفانه میان منافع عمومی و فردی باشد (Dijk P.Van. op.cit, p: 81) بنابراین موضوع امکان تحقق هدف با شیوه دیگر به جز اقدام متخذه در چارچوب اصل تناسب قابل بررسی است.

اصل تناسب که به نظر می‌رسد ریشه در قانون اساسی آلمان دارد در حوزه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل نیز اعمال می‌شود.<sup>۸</sup> مواد طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز چنین اصلی را در معاذیر رافع وصف متخلفانه فعل از جمله رضایت (ماده ۲۰)، دفاع مشروع (ماده ۲۱)، اقدامات متقابل (ماده ۲۲)، فورس‌ماژور (ماده ۲۳) و اضطرار (ماده ۲۴) ذکر نموده است. (ابراهیم‌گل، ۱۳۸۸) اصول ضرورت و تناسب به عنوان واژگان همراه یکدیگر، در رویه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند و دیوان بین‌المللی دادگستری آن را به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته است (-Gabcickovo-Nagy morosProject (Hungrary Slovaki), ICJ Reports, 1997) و در جایی که بنابر اصل ضرورت و در مواقع تهدید منفعت حیاتی، دولت‌ها ناگزیر از عدول تعهدات بین‌المللی خود باشند، رعایت اصل تناسب نمود می‌یابد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ سنگ بنای مهمی در فهم بهتر نقش اصل تناسب ایجاد می‌کند. به موجب ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعمال حقوق و آزادی‌های هر کس صرفاً باید تابع محدودیت‌هایی باشد که به موجب قانون و آن هم فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصرأ توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد.<sup>۹</sup> (مجموعه اسناد جهانی، ۱۳۸۱: ۷۲)

بدین ترتیب نظر کلی این است که اصل تناسب در زمان اعمال محدودیت‌ها در خصوص حقوق و آزادی‌های مورد حمایت کنوانسیون حقوق بشری، مطرح می‌شود. در بررسی رعایت اصل تناسب ابتدا باید به حوزه یا دامنه حق و وجود دخالت دولت پرداخته شود، قانونی بودن اقدام بازنگری شود، مقبولیت هدف مورد نظر که به خاطر آن محدودیت اعمال شده، تعیین گردد و سپس تناسب بر طبق عناصر فوق مشخص گردد.

## نتیجه گیری

آزادی‌های عمومی از جمله آزادی بیان، آزادی مذهب یا آزادی عقیده از جمله حق‌های بشری است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر گنجانده شده است، این آزادی‌ها نیز در اندیشه اسلامی با نوع نگاه و فلسفه متفاوت پیش‌بینی شده است. در طول تاریخ از جمله رسالت پیامبران الهی دعوت مردم برای رهایی و آزادی از بندگی غیر بوده است. البته لازم به ذکر است که در اندیشه اسلامی، آزادی مقدمه کمال و نه خود کمال است و کلیه حق‌ها و آزادی‌ها تا جایی ارزش می‌یابند که در جهت تکامل انسان به کار گرفته شوند. این در حالی است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر خود انسان و نه کمال آن‌ها فی‌نفسه دارای ارزش است و با توجه به حاکمیت انسان بر سرنوشت خود آزادی به معنای فقدان هر گونه مانعی تعریف می‌گردد. با پذیرش آزادی برای فرد بحث سر محدوده اعمال آن پیش می‌آید؛ محدودیت آزادی‌ها و مطلق نبودن اعمال آن‌ها در همه نظام‌های حقوقی امری پذیرفته شده است و در تمام نظام‌ها معیارهای تحدیدکننده نیز یکسان است به عنوان نمونه آزادی دیگران و منافع عمومی شامل نظم عمومی، اخلاق حسنه و ضرورت حفظ موجودیت یک نظام از جمله معیارهای مشترک اعمال محدودیت بر آزادی‌های عمومی در همه نظام‌های حقوقی می‌باشند. البته تفاوت در مصادیق منافع عمومی و تعریف آزادی دیگران به چشم می‌خورد، به عنوان مثال زمانی که در اندیشه اسلامی از رابطه انسان با مجموعه هستی سخن به میان می‌آید و انسان در هم‌زیستی با دیگر افراد جامعه است مفهوم آزادی دیگران به عنوان معیار محدودکننده آزادی‌های عمومی نیز در جهت رشد مادی و معنوی همه افراد جامعه تغییر خواهد کرد.

منافع عمومی نیز با توجه به وابستگی‌اش به اهداف و وظایف حکومت‌ها از نظام سکولار تا نظام اسلامی متفاوت است زیرا اهداف و وظایف این دو نظام متفاوت از یکدیگر می‌باشند. حدود اختیار دولت‌ها و میزانی از صلاحیت دولت‌ها در پرتو تعهدات بین‌المللی آن نیز لحاظ گردیده است و به موجب آن شرایطی که برای حیات و تداوم موجودیت و استقلال یک دولت لازم است، امکان تحدید آزادی‌های عمومی را فراهم کرده است. به این ترتیب است که با توجه به متفاوت بودن مصادیق منفعت عمومی و شرایطی که ممکن است در آن موجودیت یک دولت در خطر قرار بگیرد، دامنه اختیارات دولت‌ها در عمل متفاوت می‌نماید و در این میان معیار اصل تناسب با لحاظ حفظ حقوق و آزادی‌های افراد از یک طرف و تضمین موجودیت یک نظام و منافع عمومی آن از طرف دیگر راهگشا خواهد بود.

## یادداشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: ۱- مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسین علی منتظری، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ج ۳، مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۲۹ به بعد

۲. به موجب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر: ۱- در هنگام جنگ یا حالت اضطراری عمومی دیگری که حیات ملت را تهدید کند، هر عضو معظم متعهد می‌تواند صرفاً در حدودی که مقتضیات وضعیت مزبور ایجاب می‌کند، تدابیری برای عدول از تعهدات خود تحت این کنوانسیون اتخاذ کنند، به شرطی که آن تدابیر با سایر تعهدات وی تحت حقوق بین‌الملل معارض نباشد. ۲- هیچ عدول نباید تحت این ماده از ماده دوم، صورت گیرد مگر اینکه در فوت‌های ناشی از اعمال قانونی جنگ، یا از مواد سوم، چهارم (بند ۱) و هفتم. ۳- هر عضو معظم متعهد که از این حق عدول استفاده می‌کند باید دبیرکل شورای اروپا را به طور کامل از تدابیری که اتخاذ کرده و دلایل اتخاذ تدابیر مزبور مطلع سازد. وی هم‌چنین هنگامی که چنان تدابیری متوقف و مقررات این کنوانسیون بار دیگر اجرا می‌شود، باید موضع را به دبیرکل شورای اروپا اطلاع دهد. البته مجوز تعلیق یا عدول از حق‌های بشری در کنوانسیون‌های حقوق بشری با اندکی تفاوت در عبارت‌پردازی صادر شده است و دامنه تعریف و ذکر مصادیق غیرقابل تعلیق آن‌ها به طور کامل مشابه نیستند. رک: ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۷ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، مجموعه اسناد حقوق بشر، پیشین.

۳. بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آزادی بیان در شمار حق‌های منفی طبقه‌بندی می‌شود و تحقق و اعمال آن با عدم مداخله تحدیدی دولت‌ها یا سایر گروه‌ها و افراد تهدید کننده این آزادی انجام خواهد یافت..

۴. ماده ۱ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۵. بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۶. بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

7. Brogan and Others, A. 145- B, (2 November 1988), Van Dijk, P and G.J.H. Van Hoof, Theory and Practice of the European Convention on Human Rights, Kluwer Law International, Hague, London, Boston, 3rd Edition, 1998, p.80 and McBride, J, Proportionality and the European Convention on Human Rights, the Principle of Proportionality in the Laws of Europe, Hart Publishing, Oxford, 1999, p.24

۸. در قانون اساسی آلمان اصل تناسب به سه اصل فرعی تقسیم می‌گردد: اول اصل مناسب بودن (ty suitability) یا تناسب به این معنی که اقدامات متخذ که حقوق فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد باید در جهت دستیابی یا تسهیل هدف مورد نظر باشد. دوم این‌که علاوه بر وجود تناسب اقدام متخذ، وجود ضرورت نیز لازم است به این معنی که اقدام مناسب دیگری در دسترس نباشد که حاوی ضرر کمتری نسبت به حق مورد حمایت است. سوم اینکه اصل تناسب

در مفهوم مضیق اقدام متخذه که دارای ویژگی تناسب و ضرورت است نباید ماهیت و جوهر حق را از بین ببرد.

Christoffersen, Jonas, Fair Balance: Proportionality, Subsidiarity and Primarity in the European Convention on Human Rights, Martinus Nijhoff, 2009, pp.69-70 and Schwarze, J, European Administrative Law, Sweet and Maxwell and Office, London,1992,p,687.

۹. هر چند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حاوی قید محدودیت در بسیاری از حقوق است. اصل تناسب نقش مهمی در تفسیر میثاق ایفا کرده است. تفاسیر عمومی کمیته حقوق بشر بیانگر کاربرد وسیع اصل تناسب نیست. این امر به موجب تفاسیر کلی بر حق حیات، آزادی، امنیت، آزادی بیان، محاکمه عمومی، زندگی خانوادگی و خصوصی، تفکیک زندانیان و مشارکت سیاسی قابل تصدیق است. با این حال تفاسیر کلی حاوی معیارهای قابل انعطاف عادلانه‌ای از معقول بودن است. تفاسیر راجع به حق حریم خصوصی، جایگاه کودک به عنوان صغیر، مشارکت سیاسی و حق ورود به کشور خود مصادیق آن است. کمیته حقوق بشر از اوایل سال ۱۹۹۰ در خصوص حقوق مربوط به آزادی مذهب و آزادی عبور و مرور به اصل تناسب اشاره داشته و اعمال محدودیت بر این حقوق را در صورتی پذیرفته که آن محدودیت به موجب مقررات مرتبط قابل قبول باشد. با این توضیح که زمانی که محدودیت‌ها اعمال می‌شود دولت‌ها باید ضرورت آن‌ها را اعلام کنند و صرفاً اقداماتی را که با اهداف مشروع آن‌ها مناسب است، اتخاذ کنند تا این‌گونه، حمایت مؤثر و مستمر از حقوق میثاق تضمین گردد.

Human Rights Committee: General Comment No.31. The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, (2004).

۱۴۳

دوفصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیل تطبیقی معیار تحدید آزادی‌های عمومی در نظام اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر  
سیده لطیفه حسینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

## فارسی

- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴)، *آزادی در اندیشه امام خمینی*، تدوین: علی داستانی بیرکی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵)، *آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تدوین منوچهر محمدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مؤسسه پژوهش فرهنگی انقلاب اسلامی.
- *بهشتی، اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ* (راست‌قامتان جاودانه تاریخ اسلام)، (۱۳۶۱)، (دفتر سوم)، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- بکر، لارنس (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق*، جمعی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رحیمی، رمضان علی (۱۳۸۶)، «انسان و حق تعیین سرنوشت»، *مجموعه مقالات اصول و مبانی کرامت انسان*.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، *ولایت فقیه*، قم: اسراء.
- جوان‌آراسته، حسین (۱۳۸۸)، *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*، قم: دفتر نشر معارف.
- ظهیری، عباس (۱۳۷۹)، «حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان»، *حکومت اسلامی*، شماره ۱۷.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران: نشر دادگستر.



- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷)، *حقوق اداری*، تهران: انتشارات سمت.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *نظریه حقوقی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (بی تا)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*.
- مونتسکیو، شارل بارون (۱۳۷۱)، *روح القوانين*، مقاله ۱۱، آغاز فصل دوم، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کوچ‌نژاد، عباس (۱۳۸۳)، «محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، *نشریه حقوق اساسی*.
- کسوله، عمر احمد (۱۳۸۴)، *مبانی نظری حقوق بشر*، قم: دانشگاه مفید.
- گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *نشریه حقوق اساسی*، ۲۶ و ۷.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، «تطبیق فلسفه، مبانی و شاخص‌های آزادی در نظام اسلامی و نظام لیبرال»، *مجموعه مقالات نشست راهبردی آزادی*، ۳۷۱-۳۸۷.
- نجف‌قلی‌زاده، معصومه (۱۳۹۱)، «تطبیق فلسفه، مبانی و شاخص‌های آزادی در نظام اسلامی و نظام لیبرال»، *مجموعه مقالات نشست راهبردی آزادی*، ۳۷۱-۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ چهارم، ج ۱ و ۴.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *نظریه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نصرتی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، *نظام سیاسی اسلام*، نشر هاجر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، نشر صدرا.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۲)، «آزادی بیان در اسلام»، *رواق اندیشه*، ۳۰-۵۲.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، «توسعه قلمرو و تضییق محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر مبانی نظری و پیامدهای حقوقی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۱، بهار و تابستان.
- منتظری، حسین‌علی (۱۴۰۹ه.ق)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، مترجم: صلواتی، محمود

و شکوری، مؤسسه کیهان، ج ۳، ۲۹.

- حسین نژاد، حسینقلی (۱۳۷۷)، «نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله حقوقی*، شماره ۲۲.

- کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد (۱۳۸۸)، *مسئولیت بین المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل؛ زیر نظر و با دیباچه جمال سیفی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

- «طرح پیش نویس مسئولیت بین المللی دولت» (۱۳۸۵)، ترجمه نگارنده و دیگران زیر نظر هومن موثق، *سالنامه ایرانی حقوق بین الملل و تطبیقی*، شماره دوم.

#### منابع انگلیسی

- Brannigan and McBride V. the United Kingdom (26 May 1993), Series A, no.258-B, , para, 5

- Brogan and Others (2 November 1988), A. 145- B,

- Christoffersen, Jonas (2009), *Fair Balance: Proportionality, Subsidiarity and Primarity in the European Convention on Human Rights*, Martinus Nijhoff.

- Dijk, p.van and Hoof G.J.H Van (1998), *Theory and Practice of the European Convention on Human Rights*, Third Edition, Kluwer Law International.

- Gabcickovo–NagyomorosProject (Hungary Slovaki) (1997), ICJ Reports.

- Human Rights Committee (2004), *General Comment No.31. The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant*, .

- McBride, J (1999), *Proportionality and the European Convention on Human Rights, the Principle of Proportionality in the Laws of Europe*, Hart Publishing, Oxford.

- Reid Karen (2004), *A Practitioners, Guide to The European Convention on Human Rights*, 2nd Edition, Sweet and Maxwell.

- Schwarze, J (1992), *European Administrative Law*, Sweet and Maxwell and Office, London.

- Van Dijk, P and G.J.H. Van Hoof, *Theory and Practice of the European*

**Convention on Human Rights**, Kluwer Law International, Hague, London, Boston, 3rd Edition, 1998

۱۴۷

دو فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

تحلیل تطبیقی معیار تحدید آزادی‌های عمومی در نظام اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر  
سیده لطیفه حسینی



Received Date: 14/06/2016  
Accepted Date: 15/09/2016

## Comparative analysis of criteria of restricting public freedoms in the Islamic system and international human rights system

Seyede Latifeh Hosseini<sup>1</sup>

### Abstract

Human rights are the rights which human being has them without distinction of any kind. Public freedoms are regarded as an instance in human rights; and they are indispensable for such freedoms that are predictable in legal system and rules and are guaranteed the freedoms. Hence, they can be demanded by the freedom owners. But since public freedoms for all individuals in a population are predicted, the whole society and the freedom of others are also important; however, practically people don't practice the absolute freedom. As a criterion of limiting public freedoms may vary from system to system, this article is intended to focus on the restricting public freedoms in the Islamic perspective and International human rights system.

**Keywords:** Public freedoms, Limitations, Islamic system, International system.

۱۵۳

دو فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

چکیده انگلیسی

---

1. PhD in International Laws, Assistant professor at Al-Zahra University; Department Law, Tehran, Iran. Email: L.hosseini@alzahra.ac.ir